



معرفی کتاب جملات بی‌متن

دکتر محمد محمدی‌آغداش^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه تبریز،

تبریز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۱ خرداد ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۱ مهر ۱۳۹۸)

کتاب نظری زبان‌شناختی، *جملات بی‌متن*، برای اولین بار در سال ۲۰۱۲ در انتشارات ارمان کوکن^۲، در شهر پاریس به زیر چاپ رفت. در این کتاب، *دومینیک منگنو* بر موضوعیت جملات کوتاه بی‌صدا و بی‌متن – مثل جملات قصار و پندآموز، شعارهای سیاسی، ضرب‌المثل‌ها، حقیقت‌های کلی، عناوین مطبوعاتی و غیره – جدانشده از ساختار اصلی اولیه و حاضر در کلام شفاهی یا کتبی گویش‌وران در یک جامعه زبانی مشخص، در این خصوص زبان فرانسه، تمرکز و بدین امر مهم تاکید می‌کند که معنا – تفسیر یک جمله کوتاه ماخوذ و مجزا از ساخت دستوری-کلامی اصلی اولیه با معنای همان جمله که در بافت و ساخت ثانویه در جایی دیگر توسط کاربری دیگر به‌کار برده می‌شود یکی نیست. به نظر منگنو، درک و تفسیر همچون گزاره‌ای، با الزامات دستوری و نحوی خاص خود، به شرایط خاص شکل‌گیری گفتار بستگی مستقیم داشته و در نهایت منجر به غیریت^۳، با توجه به حضور گفتگومند دیگری^۴، در سخن گوینده (فعلی) می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: منگنو، جمله بی‌متن ثانویه، تحلیل کلام، غیریت.

^۱E-mail: mohammadiaghdach@yahoo.fr

^۲ Armand Colin

^۳ Altérité.

^۴ Autre/autrui.

مقدمه

دومینیک منگنو^۱ چهره‌ای نام‌آشنا در حوزه وسیع زبان‌شناسی متن و تحلیل گفتمان بوده که نزد پژوهش‌گران و اساتید فرانسه‌زبان در سراسر گیتی آثار^۲ او در زمره منابع بسیار معتبر و تخصصی علوم زبان و تحلیل کلام به‌شمار می‌آیند. در این مبحث کوتاه بر آن هستیم تا در کتاب *جملات بدون متن*^۳ او تاملی داشته باشیم.

منگنو در اثر مذکور خود، با تمرکز بر روی اشکالی از بیان شفاهی و یا کتبی همچون، جملات قصار و پندآموز، شعارهای سیاسی، ضرب‌المثل‌ها، جملات کوتاه، حقیقت‌های بنیادین کلی، عناوین مطبوعاتی و غیره، درصدد توضیح و پاسخ به سؤالاتی کلان از قبیل «آیا معنا و فهم جمله‌ای که در بافت تاریخی-اجتماعی-فرهنگی خاصی بیان می‌شود با معنای همان جمله که از بافت و ساختار اولیه و مرجع خود جدا شده همان است؟ در این نوع از گفتارها به اصطلاح «جملات بی‌متن و بی‌صدای مجزا»، چه کسی و با کی صحبت می‌کند؟ این سخن چه غایتی دارد؟ چگونه می‌توان زمینه خوانش چنین جملاتی که از ساختار و موقعیت گفتاری اولیه خود جدا شده‌اند را فراهم ساخت؟» آمده‌است. نکته اصلی برای نویسنده این مصحف آنست که باید بتوان «تفاوت بین ساختار اولیه (منسجم) و ثانویه (شکسته و ناهمگن) در همچون اشکال زبانی کتبی-شفاهی را تشخیص داد». شایان ذکر است که کلام و جملات کوتاه بی‌متن^۴ همه جا و در همه گفتارها وجود دارند. اشاره بدین نکته حائز اهمیت است که نظریه گفتمان به اصطلاح کوتاه و بدون متن منگنو مکمل نظریه زبان‌شناختی سلف خود، یعنی دیدگاه تحول‌گرای زبان‌شناس فرانسوی امیل بنونیست^۵ از سخن در دهه شصت میلادی سده بیستم می‌باشد که بر تفاوت و تمایز بین دو مقوله مهم «روایت»^۶ و «گفتار»^۷ تاکید می‌کند. ولیکن بنا به نظر منگنو، گزاره‌های بی‌متن تابع قوانین متون و انواع گفتمان‌های (ادبی) رایج نبوده، بلکه پیرو قوانین دیگری غیر از متن و ساختار زبانی فعلی و مدنظر گویشور(ان) است، که خود دلیل اصلی نگارش کتاب حاضر تلقی می‌شود.

رسالة نظری پیش رو که اساساً در زمره سبک‌شناسی و علم تحلیل کلام و فن بلاغت به‌شمار می‌آید، متشکل از ۱۸۴ صفحه و ۱۲ فصل است. به‌صورت اجمالی فصل‌های ۱ الی ۵ آن به تعریف ویژگی‌های کلی «گزاره (کوتاه) مجزا و ماخوذ»^۸ و «گزاره جداشدنی»^۹ (فصل اول و دوم) و همین‌طور ویژگی دستوری و گفتمانی گیومه^{۱۰} در گفتار (فصل سوم) می‌پردازند. منظور از اصطلاح «جداشدنی»،

¹ Dominique Maingueneau, 1950, Paris.

² Maingueneau, (1989), *Genèses du discours*, Bruxelles, Mardaga ; (1994), *L'énonciation en linguistique française*, Paris, Hachette ; (2004a), *Le discours littéraire : paratopie et scène d'énonciation*, Paris, Armand Colin ; (2010), *Manuel de linguistique pour les textes littéraires*, Paris, Armand Colin.

³ *Les Phrases sans texte*

⁴ Énonciation aphorissante, ou *aphorisation secondaire*.

⁵ Émile Benveniste, (1966), *Problèmes de linguistique générale* (I), Paris, Gallimard ; (1974), *Problèmes de linguistique générale* (II), Paris, Gallimard.

⁶ Récit.

⁷ Discours/Parole.

⁸ Énoncé détaché.

⁹ Énoncé détachable.

¹⁰ Jacqueline-Authier Revuz dont (1978), « Les formes du discours rapporté », in *DRLAV* n° 17 PP. 1-87.

-, (1997), « Modalisation autonymique et discours autre: quelques remarques », in *Modèles Linguistiques*, Vol. 35, XVIII, fasc.1, PP. 33-51.

ضمن اشاره به «حقیقت محض و بنیادین» اصطلاح *اشباع سخن*^۱، یک سخن یا یک گزاره زبانی (الزاماً) به شکل کوتاه و با قابلیت پذیرش همگانی نزد گویش‌وران در یک جامعه زبانی مشخص، در ابتدا یا انتهای یک متن منسجم و یک‌پارچه، مجموع ویژگی‌هایی را گویند که فرآیند جداشدن گزاره‌ای از ساختار مرجع و اولیه خود برای استفاده در موقعیت‌های بیانی-گفتمانی دیگر را تسهیل می‌کنند. در فهم جمله/گزاره اشباع، منگنو تصریح می‌کند که خطیب یا نگارنده جمله بی‌متن کلام خود را بر روی گزاره‌های پیشین (دیگران) بنا می‌کند.^۲

شایان ذکر است که در این بخش از کتاب، نویسنده سعی در تشخیص و تمایز بین جملات کوتاه نخستین یا اصلی^۳، مثل ضرب‌المثل‌ها، شعارهای تبلیغاتی و تجاری و جملات پندآموز که طبعاً و ذاتاً به شکل مجزا (به شکل نقل‌قول‌های بخشی یا جزئی)^۴ بیان شده‌اند، و جملات کوتاه ثانویه یا مشتق^۵، مثل عنوانی در یک روزنامه، نقل‌قولی (از فردی دیگر) در یک گفتگو و یا جمله کوتاهی در فرهنگ و ادبیات سیاسی که از منبع اصلی و ساختار منسجم اولیه خود به نحوی جداگشته‌اند، دارد که به تعبیر خود دومینیک منگنو همین «گزاره‌های بدون‌متن نوع دوم»، که معمولاً و عمدتاً در متون مطبوعاتی^۶ مشاهده می‌شوند، بیش از همه جلب توجه کرده و ارزش مطالعه و بررسی را دارند (فصول چهار و پنج). در این بخش از کتاب، آنچه بیش از همه نظر نویسنده را به خود معطوف داشته، این‌که روزنامه‌نگار یا خطیب در نقش یک فرد صاحب اختیار و در جایگاهی بالاتر، در کلام شفاهی یا متن کتبی خود، «نه تنها دارد سخن [دیگری] می‌گوید، بلکه او نشان می‌دهد که دارد، با حرکت بر ردپای صاحب سخن یا اصطلاحاً گزاره پرداز اول، سخن می‌گوید» (Maingueneau, 2012: فصل ۵).

فصلهای ۶ الی ۱۱ چشم‌اندازی تحلیلی از مطالعات انجام‌یافته دیرین و اخیر در حوزه تخصصی تحلیل کلام ارائه می‌دهند. به‌طوری که در فصل ششم کتاب، نویسنده به‌طور اجمالی توجه خواننده را

Et aussi Mohamamdi-Aghdash Mohammad, (2018), «L'Hétérogénéité énonciative montrée: le cas des îlots textuels dans *Une Vie* de Maupassant », in *Revue Plume*, N° 26, pp. 157-182.

^۱ Surassertion. Voir D. Maingueneau, (2004d), «Citation et surassertion », *Revue Polifonia* n° 8, PP. 8-22.

-، (2006a), Maingueneau, «De la surassertion à l'aphorisation», in Lopez-Munoz, Juan Manuel, Sophie Mamette & Laurence Rosier (éds.), *Dans la jungle des discours : genres de discours et discours rapporté*, Presses universitaire de Cadix, PP. 359-368.

-، (2006b), Maingueneau, «Les énoncés détachés dans la presse écrite. De la surassertion à l'aphorisation», in Bonhomme, Marc & Gilles Lugin (éds.): «Interdiscours et intertextualité dans les média», *TRANEL, Travaux Neuchâtelois de linguistique*, pp. 107-120.

^۲ اشاره به اصطلاح بینامتنیت ژولیا کریستوا (1969, *Sémiotique, Recherches pour une sémanalyse*, Paris, Seuil)

دارد که به تاسی از نظریه زیانشناختی گفتمان چندصدایی میخائیل باختین (۱۹۲۹) آن را ابداع کرده‌است.

^۳ Aphorisation primaire ou originelle.

^۴ Particitions.

^۵ Enonciations/aphorisations dérivées.

^۶ Voir Grégoire Lacaze (2015), «L'énonciation aphorissante dans l'article de presse: une syntaxe sous contrôle(s)», in *E-rea*, n 12-2, pp. 1-24. Dans sa recherche, s'intéressant aux *énonciations aphorissantes secondaires*, Lacaze s'exprime ainsi: «L'article de presse est le lieu privilégié du discours d'autrui. Le journaliste, quand il rédige un article, convoque et rapporte très fréquemment les paroles et les propos tenus par des tiers [qu'on appelle aphorisations secondaires]. Ces aphorisations sont détachés d'un texte source et contiennent habituellement des fragments de paroles prononcées par un locuteur origine et généralement identifiable». (*Op. cit.*: 2). Dans ce cas, il est intéressant de dire que le locuteur-journaliste «met en relief (suivant Maingueneau, 2006b: 364), le fragment détaché, par rapport au reste des énoncés. C'est-ce qu'on appelle une "surassertion"».

به گفتار یا سخن پندآموز^۱ جلب کرده و می‌نویسد: «دیرینه کلمات قصار و پندآموز به دوره رنسانس بر می‌گردد، به عبارتی می‌توان سخنان بی‌متن و کوتاه ثانویه [جدا شده از ساخت نحوی مرجع] را نوعی استفاده همگانی و روزمره از زبان در زندگی مردمان [اروپایی] آن دوره تلقی کرد. و به عنوان هر نوع کلام روایی دیگر، گفتار پندآموز دارای کارکرد فرهنگی - اجتماعی و ویژگی معنایی - استنباطی خاص خود در موقعیت و متن سخن بوده که علوم زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، کاربردشناسی زبان و منطق همواره سعی در فهم و تحلیل آن داشته‌اند. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان: شخصیت‌های دخیل (چه کسی روایت می‌کند؟)، موضوع آن (چه چیزی روایت می‌شود؟)، شرایط عمومی سخن (کی و کجا روایت می‌شود؟) انگیزه‌های روایت (چرا این سخن؟) و غیره را بر شمرد.» (Maingueneau, 2012: ۷۱).

و اما در فصول ۷ لغایت ۹، از ورای عناوین «جملات کوتاه»، «تفسیر جملات بی‌متن کوتاه» و «فهم جمله کوتاه و معمای معنا»، که معمولاً در خصوص «انسان و رفتارهای روزمره آدمها» (Maingueneau, 2012: ۸۷) به کار برده می‌شوند، مگنو به نکته مهمی اشاره می‌کند، اینکه یک جمله کوتاه-پندآموز، متشکل از واژگان خوب و پرمعنا، اغلب ریشه در فرهنگ ملت‌ها داشته و در مجموعه‌ها یا بر روی سنگ‌ها حک می‌شدند. این‌جا، منظور نظر نویسنده از اصطلاح «سخنان پندآموز» فهم و تاکید بر مفهوم پدیده‌های متعددی که تاریخ پیدایش متون و گفتارها، هم‌چنین کمی دورتر تاریخ پیدایش خط و نوشتار را مشخص می‌کنند است. شایان گفتن است که زبان‌شناس و تحلیل‌گر کلام امروزه به واسطه مطالعه تاریخی این قبیل از «گفتارها و سخنان کوتاه» به ارث رسیده از ادبیات یونان و روم باستان می‌تواند کیفیت معنایی و گفتمانی توییت‌ها^۲ و تکه گزاره‌های کلامی مشتق را که در فضای مجازی با سرعت و حجم بالا منتشر می‌شود با شفافیت هر چه بیشتر درک و تحلیل کند. آن‌چه در فهم یک جمله-گزاره کوتاه ماخوذ حائز اهمیت است، این‌که معنای هم‌چون سخنی، با توجه به شرایط خاص کاربرد آن، متفاوت خواهد بود، و این شرایط، به گفته مگنو، هر چه که باشد منجر به «ابهام و غیریت»^۳ در کلام روایی مد نظر ما، به لحاظ نوع اطلاعات، نوع کنش کلامی^۴ و کیفیت تاریخت آن و غیره، خواهد شد (Maingueneau, 2012: ۱۱۰-۱۰۳).

در دیدگاه مگنو، راز و فهم معنا در گزاره‌های بی‌کلام دیریاب، مثل انواع مجازها بسته به نظر و نیت گوینده سخن از آن بوده و یک کلام‌شناس نیک می‌داند که گزاره تعقیدی که او قصد قرائت و تحلیل آن را دارد، یک گزاره معمولی نبوده بلکه همچون سخنی در شرایط خاص شکل‌گیری گفتمان «من - تو - الان - اینجا»^۵ ساخته شده است. و دیگر این‌که، بایستی بدین موضوع آگاه بود که چنین تکه کلام اصطلاحاً بی‌متن، مثل چیستان‌ها و آرایه‌های ادبی (Maingueneau, 2012: ۱۲۰)، متعلق به یک فرهنگ و جامعه زبانی بوده که مخاطب خود در ساخته شدن‌شان سهیم و قادر به تفسیر آنهاست. آن‌چه مشهود است، این‌که در حالت کلی باید سعی کرد، ضمن بازسازی فضای سخن ماضی، بین جمله (بی‌متن) جداشده از ساختار (فرضی) یا حقیقی اولیه و لحظه فعلی شکل‌گیری و تکوین کلام «ارتباط

^۱ Parole sentencieuse.

^۲ Tweets.

^۳ Opacification du dire.

^۴ Lire à ce propos J.-R. Searle, (1972[1969]), *Les actes de langage*, Paris, Hermann.

^۵ Voir Émile Benveniste, (1966), *Problèmes de linguistique générale*, la partie concernant *La nature des pronoms personnels et la fonction des déictiques*, pp. 251-266.

منطقی-معنایی و کاربردی» (Maingueneau, 2012: ۱۱۸) برقرار کرد تا مخاطب فرضی از تحلیل و تفسیر ارائه شده در این خصوص رضایت فهم داشته باشد.

اصطلاح فضای آموزشی در فصل ۱۰ کتاب توجه خواننده را به خود جلب کرده و تأکید بر آن دارد که مسئله تفسیر متون و موضوع (یت) انشاء ادبی از جایگاه ویژه‌ای در ادبیات و فلسفه برخوردار است. در این نوع از متون به راحتی می‌توان عدد بالایی از جملات قابل تفکیک از ساخت منسجم اولیه را پیدا کرد که جمله-موضوع (ات) مناسبی برای انشاء ادبی هستند. به نظر نویسند، «تفسیر و فهم این نوع از جملات برای خواننده استرس‌زا و کمی دشوار خواهد بود، اگر دانشجوی انشاء‌نویس فرضی نتواند تشخیص دهد که با یک جمله بی‌متن [مشتق] مواجه است» (Maingueneau, 2012: ۱۳۵). در نتیجه خواننده-شاگرد فرضی، برای درک واضح و بهتر موضوع راهی ندارد جز آن‌که به مدد دانش ادبی پیشین جمله مذکور را به وضعیت (گفتمان) اولیه خود برگرداند و بازسازی کند تا راه بر تحلیل آن هموار گردد.

در دو فصل انتهایی کتاب، منگنو، ضمن اشاره مجدد بر مضامین کلیدی اثر خود یعنی «گفتمان پیوسته و منسجم و گفتمان جداگشته [ثانویه]» (Maingueneau, 2012: ۱۶۱)، به طور کلی مبین این نکته مهم است که در نظر تحلیل‌گران اشکال بیانی کوتاه، شاید مضمون زبان‌شناختی جملات بی‌صدا و بی‌متن^۱ کمی پرحاشیه نموده و دایره مطالعه آن وسیع باشد، ولی در عین حال، واقعیتی است که امروزه پژوهش‌گران در حوزه علوم زبان و زبان‌شناسی متن، خوانندگان و کاربران زبانی در فضای مجازی، متون مطبوعاتی، مجلات و رسانه‌های خبری، گفتمان‌های سیاسی^۲ و امثالهم با آن مواجه هستند. فلذا ضمن یادآوری نظریه معروف زبان‌شناختی «منطق مکالمه یا منطق گفتگویی» میخائیل باختین^۳، دال بر اصل گفتگومند بودن و تأثیر گذاری مستقیم یا غیرمستقیم همه متون بر همدیگر و بین هم، به جز «کلام (بکر و خالص) حضرت آدم»، (Maingueneau, 2012: ۱۶۵)، در نتیجه تبیین و تئوری سازی در این خصوص بیش از پیش ضروری می‌نماید. مسئله این است که به قول نظریه بینامتنیت هیچ ناطقی، هیچ نویسنده‌ای به تنهایی خالق کلام خود نیست، فلذا کارگردانی و هماهنگ ساختن انبوهی از صداها از حیث معنایی و نحوی در دل یک گزاره کار بسی دشوار است.

به عنوان کلام آخر این گزارش، باید اعتراف کرد که دست‌آورد دومینیک منگنو در تبیین و بررسی کتاب جملات کوتاه بی‌متن خیلی مهم و بی‌بدیل بوده و مهم‌تر آن‌که نویسنده به دنبال ارائه «طرحی جامع و یکدست»، هرچند دشوار، اما کاربردی و تحلیلی برای گزاره‌ها و اشکال بیانی جداشونده و به‌ویژه ثانویه است که به عنوان ابزار تحلیلی و گفتمانی مفید و ضروری به دانشجویان و پژوهشگران در حوزه علوم زبان توصیه و معرفی می‌شود.

References

منابع

Maingueneau, (2012), *Les Phrases sans texte*, Paris, Armand Colin.

¹ Enoncés sans texte, sans voix.

² Alice Krieg-Planque, (2011), « Les petites phrases : un objet pour l'analyse des discours politiques et médiatiques », in *Communication et langage*, N°168, pp. 23-41.

³ Dialogisme. Voir Mikhaïl Bakhtine, (1975), *Esthétique et théorie du roman*, Paris, Gallimard.



A look at the *Textless sentences* of Dominique Maingueneau

Mohammad Mohammad-Aghdash¹

Assistant professor, French Language and Literature Department, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

(Received: 1 June 2019; Accepted: 23 September 2019)

Theoretical book, *Textless sentences*, in the field of linguistics text, for the first time printed in Paris in 2012. In this work Dominique Maingueneau, emphasizes and focuses on the subject of short silent, non-textual sentences such as short and instructive sentences, political slogans, proverbs, general facts, Press titles, *etc.*-separated from the original structure and present in the oral or written words of the speakers in a specific linguistic community, in this regard of French language that meaning and interpretation of separate short sentence from construction of original verbal grammar with the meaning of same sentence as in the secondary texture and construction (enunciation aphorissante) somewhere the other verbal context used by another user will not be the same. According to Maingueneau understanding such statements were directly related to the specific condition of speech formation eventually leads to otherness in the speech of current speaker.

Keywords: Maingueneau, Speech Analysis, Secondary Sentence without Text, Meaning, Otherness.

¹ E-mail: mohammadiaghdach@yahoo.fr